

Research Article

A Sociological Approach to Designing an Innovative Governance Model to Improve the Business Environment in Small and Medium-Sized Enterprises

Peyman Akbari ¹ 

Assistant Professor, Department of Business Management, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Received: 2026/06/29 Accepted: 2026/08/29

<https://doi.org/10.22034/jis.2026.2092914.1061> 

Extended Abstract

Introduction: Economic development in recent decades has transformed small and large enterprises into major actors in industrial societies, increasing the need for agile and effective economic governance. Traditional and complex governance structures may create institutional barriers to economic activity and contribute to adverse social consequences, including rent-seeking and the erosion of social capital. From an industrial sociology perspective, this study aimed to develop an innovative governance model for improving the business environment and examine how redefining the government as a facilitating actor can reduce institutional barriers and strengthen relations between public and private-sector actors.

Method: This qualitative study employed a grounded-theory approach. Eight entrepreneurs from small and medium-sized enterprises (SMEs) in Kermanshah Province were selected through purposive and snowball sampling until theoretical saturation was achieved. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using open, axial, and selective coding with the assistance of MAXQDA software. The trustworthiness of the findings was assessed based on the Lincoln and Guba criteria. The analysis resulted in 71 concepts and 15 categories, which were integrated into the paradigm model of Strauss and Corbin.

Findings: The findings identified legislative reform, market-oriented economic infrastructure, and technological infrastructure empowerment as the main causal conditions for innovative governance. Contextual conditions included cultural and social factors; economic, institutional, and market structures; and physical, digital, and geographical infrastructures. Intervening conditions comprised the political and international macro-environment; economic, financial, and market conditions; and the social, cultural, and technological environment. The proposed strategies included structural, administrative, and legal reforms; financial, tax, and market-support measures; and strategies for empowerment, innovation, and infrastructure development. The resulting outcomes were categorized into economic and market development, institutional governance, and social and technological outcomes.

Conclusion: The findings indicate that successful enterprise development in contemporary industrial societies requires an innovative governance framework that addresses institutional, economic, technological, and social conditions simultaneously. Such governance can strengthen social capital and improve interaction between public institutions and the private sector by facilitating rather than excessively controlling economic activity. The model also provides a framework for addressing rent-seeking opportunities, supporting the industrial middle class, and creating conditions that may contribute to retaining skilled human resources. Beyond diagnosing structural barriers, the proposed model offers a practical framework for policymakers to coordinate reforms, infrastructure, financial and market support, and innovation-oriented strategies. By integrating causal, contextual, and intervening conditions, innovative governance can contribute to improved business environments and more sustainable economic and social development.

Keywords: Business environment, Innovative governance, Small and medium-sized enterprise.

Citation: Akbari, P. (2026). A Sociological Approach to Designing an Innovative Governance Model to Improve the Business Environment in Small and Medium-Sized Enterprise. *Journal of Industrial Sociology*, 3(1), 105-128.

1. Corresponding author, E-mail: peymanakbari3537@pnu.ac.ir

مقاله پژوهشی

رویکردی جامعه‌شناختی به طراحی مدل حکمرانی ابتکاری در جهت بهبود فضای کسب و کار در شرکت‌های کوچک و متوسط

پیمان اکبری^۱ 

استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۷

<https://doi.org/10.22034/jis.2026.2092914.1061> 

چکیده مبسوط

مقدمه: تحولات اقتصادی دهه‌های اخیر شرکت‌های کوچک و بزرگ را به بازیگران اصلی جوامع صنعتی تبدیل کرده است، میدان‌داری صنایع نیازمند حکمرانی چابک صنعتی و اقتصادی است؛ مدل‌های سنتی و پیچیده حکمرانی، نه تنها مانع رشد اقتصادی شده‌اند، بلکه پیامدهای منفی اجتماعی نظیر شکل‌گیری طبقه رانتی و کاهش سرمایه اجتماعی را به دنبال داشته‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌شناسی صنعتی، به طراحی مدل حکمرانی ابتکاری در جهت بهبود فضای کسب و کار پرداخت تا نشان دهد چگونه تغییر ماهیت دولت به یک کنشگر تسهیل‌گر، گره از روابط نهادی می‌گشاید.

روش: در این راستا، ۸ نفر از کارآفرینان بنگاه‌های کوچک و متوسط استان کرمانشاه به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روش تحلیل داده‌ها، کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام پذیرفت. برای تضمین اعتبار نیز از چارچوب لینکلن و گوبا بهره گرفته شد. بر این اساس، محقق ۷۱ مفهوم و ۱۵ مقوله را در قالب الگوی پارادایمی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استراوس و کوربین دسته‌بندی کرد.

یافته‌ها: براساس یافته‌های پژوهش، اصلاحات قانون‌گذاری، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی بازار، توانمندسازی زیرساخت‌های فناوریانه، شرایط علی حکمرانی ابتکاری می‌باشند. بستر فرهنگی، اجتماعی، ساختار اقتصادی، نهادی و بازار، زیرساخت‌های فیزیکی، دیجیتالی و جغرافیایی، شرایط زمینه‌ای هستند. محیط کلان سیاسی و بین‌المللی، محیط اقتصادی، مالی و بازار، محیط اجتماعی، فرهنگی و فناوریانه، شرایط مداخله‌گرند. راهبردهای اصلاحات ساختاری، اداری و قانونی؛ راهبردهای حمایت مالی، مالیاتی و توسعه بازار؛ راهبردهای توانمندسازی، نوآوری و توسعه زیرساخت، راهبردهای حکمرانی ابتکاری هستند؛ و بالاخره، پیامدهای اقتصادی و توسعه بازار، پیامدهای نهادی حکمرانی، پیامدهای اجتماعی و فن‌آورانه، پیامدهای حکمرانی ابتکاری می‌باشند.

نتیجه‌گیری: موفقیت شرکت‌ها در دنیای معاصر صنعتی مستلزم طراحی مدل حکمرانی ابتکاری است. حکمرانی ابتکاری مکانیسمی بنیادین برای بازتولید سرمایه اجتماعی و ترمیم فاصله میان نهاد دولتی و بخش خصوصی است و با کاهش رانت، از تضعیف طبقه متوسط صنعتی جلوگیری کرده و با ایجاد بستری برای ماندگاری نخبگان، مانع مهاجرت نیروی انسانی می‌شود. مدل حکمرانی ابتکاری طراحی شده در پژوهش حاضر نه تنها ابزاری تشخیصی برای شناسایی موانع ساختاری است، بلکه نقشه راهی کاربردی برای سیاست‌گذاران محسوب می‌شود تا با هم‌افزایی شرایط علی و زمینه‌ای، پیامدهای پایدار اقتصادی و اجتماعی را در پی داشته باشند. مدل ارائه شده، می‌تواند ابزاری ضروری برای مدیریت پیامدهای اجتماعی ناشی از صنعتی شدن و هدایت آن به سمت انسجام و توسعه پایدار باشد.

کلیدواژه‌ها: فضای کسب و کار، حکمرانی ابتکاری، شرکت‌های کوچک و متوسط

ارجاع: اکبری، پیمان. (۱۴۰۵). رویکردی جامعه‌شناختی به طراحی مدل حکمرانی ابتکاری در جهت بهبود فضای کسب و کار در شرکت‌های کوچک و متوسط. *مجله جامعه‌شناسی صنعتی*، ۳(۱)، ۱۲۸-۱۰۵.

با ورود عمیق صنعت به زندگی انسانی، شرکت‌های کوچک و متوسط^۱ نه تنها موتورهای تولید، بلکه بازیگران اصلی ساختار اجتماعی جوامع صنعتی هستند. در این میان، فضای کسب‌وکار به مثابه مجموعه‌ای به هم پیوسته از عوامل اقتصادی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فناورانه، نقشی تعیین‌کننده‌ای در عملکرد، رقابت‌پذیری و تاب‌آوری بنگاه‌های اقتصادی ایفا می‌کند و به عنوان یکی از ارکان حیاتی رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و توسعه ملی شناخته می‌شود (بانک جهانی^۲، ۲۰۲۳). پژوهش‌های متعدد تأیید می‌کنند که بهبود مستمر و هدفمند این فضا از طریق کاهش هزینه‌های مبادله، نهادینه‌سازی شفافیت، تسهیل رویه‌های اداری و تضمین حقوق مالکیت، مستقیماً به جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید می‌انجامد (گیوانیس و ازدامار^۳، ۲۰۲۲؛ دوو^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). در این میان، «حکمرانی» به عنوان مجموعه‌ای از قواعد، فرآیندها و نهادهایی که نحوه تصمیم‌گیری و اعمال قدرت را در یک سیستم تعیین می‌کنند، نقشی محوری در شکل‌دهی و مدیریت این محیط بر عهده دارد (کارویکی و کوبارو^۵، ۲۰۲۲). با وجود اهمیت راهبردی فضای کسب‌وکار، بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه و حتی برخی از کشورهای توسعه‌یافته با چالش‌های ساختاری عمیقی در این حوزه دست‌به‌گریبان هستند (راش^۶، ۲۰۲۰). مدل‌های سنتی حکمرانی که اغلب مبتنی بر رویکردهای سلسله‌مراتبی،

بوروکراتیک و متمرکز شکل گرفته‌اند، در مواجهه با پیچیدگی‌های محیط کسب‌وکار مدرن، ظهور فناوری‌های شتاب‌دهنده و تغییرات سریع جهانی، کارایی لازم را از دست داده‌اند (یین^۷ و همکاران، ۲۰۲۲). اصطکاک اصلی در این مدل‌ها، ناتوانی ذاتی در انطباق‌پذیری و خلق نوآوری است؛ به گونه‌ای که به جای ایفای نقش تسهیل‌گر و حامی کنشگران اقتصادی، بر کنترل، مقررات‌گذاری زائد و محافظه‌کاری تمرکز دارند (جی و گو^۸، ۲۰۲۰). این نارسایی‌ها در چند بُعد کلیدی تبلور می‌یابد. ۱) جمود ساختاری و بوروکراسی: فرآیندهای طولانی، تعدد مجوزها و تداخل وظایف نهادهای دولتی، هزینه‌های زمانی و مالی فعالان اقتصادی را افزایش داده و انگیزه نوآوری و ریسک‌پذیری را تضعیف کرده است (لئونارد^۹، ۲۰۲۴). ۲) فقدان شفافیت و پاسخگویی: ضعف در شفافیت رویه‌های تصمیم‌گیری و ناکارآمدی مکانیسم‌های پاسخگویی، بستر فساد و رانت را فراهم کرده و اعتماد متقابل میان دولت و بخش خصوصی را خدشه‌دار نموده است (عبدلای و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۴). ۳) مشارکت ناکافی ذی‌نفعان: در مدل‌های سنتی، نقش بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و جامعه مدنی در تدوین سیاست‌ها به حاشیه رانده شده و نتیجتاً سیاست‌های وضع‌شده از واقعیت‌های میدانی و نیازهای اصلی بنگاه‌ها فاصله گرفته‌اند (کویتیکووسکا^{۱۱}، ۲۰۲۵). ۴) عدم آمادگی برای آینده: حکمرانی سنتی در پیش‌بینی و پاسخگویی به روندهای نوظهوری همچون اقتصاد دیجیتال، هوش مصنوعی و پایداری محیطی ناتوان است، که موجب

7. Yin

8. Ji & Gao

9. Leonard

10. Abdulai

11. Kvitkovská

1. Small and medium-sized enterprise

2. World Bank Group

3. Giovanis & Ozdamar

4. Kariuki & Kabaru

5. Yin

6. Ruch

عقب‌ماندن چارچوب‌های نظارتی و حمایت‌های سیاستی شده است (کاپارتزیانی^۱، ۲۰۲۵).

شکاف موجود در ادبیات پژوهش از آنجا نشأت می‌گیرد که علیرغم تأکید فزاینده بر مفهوم «حکمرانی نوآورانه» به عنوان بستری برای ایجاد سیستم‌های منعطف، مشارکتی و دانش‌محور (آزبورن و بوورن^۲، ۲۰۲۳)، تفاوت ماهوی میان «حکمرانی نوآوری» و «حکمرانی ابتکاری» در مطالعات پیشین به درستی تفکیک و تبیین نشده است. حکمرانی نوآوری عمدتاً بر مدیریت فرآیندها، سیاست‌گذاری‌ها و ایجاد بسترهای لازم برای توسعه فناوری و نوآوری در سطح بنگاه‌ها و اکوسیستم متمرکز است؛ در حالی که حکمرانی ابتکاری فراتر از آن، به معنای نهاده‌سازی روحیه کارآفرینی، ریسک‌پذیری و کنش‌گری مبتنی بر شناسایی فرصت در ذات ساختار و عملکرد دولت است. بنابراین، حکمرانی ابتکاری به‌جای صرفاً مدیریت نوآوری، بر تغییر ماهیت دولت از یک ناظر منفعل به یک کنشگر فعال و تسهیل‌گر تأکید دارد. با این حال، هنوز فاقد مدلی جامع، عملیاتی و بومی‌شده هستیم که به طور اختصاصی تحت عنوان «حکمرانی ابتکاری» برای بهبود فضای کسب‌وکار طراحی شده باشد و پیوند میان رویکردهای کارآفرینانه در حکمرانی و پیامدهای ملموس اقتصادی (نظیر شاخص سهولت کسب‌وکار) را تبیین کند (لستا و کونولا^۳، ۲۰۲۱). پژوهش‌های پیشین غالباً بر نوآوری سازمانی یا نوآوری در بخش‌های خاص متمرکز بوده‌اند و از طراحی مدلی کلان برای تحول سیستم حکمرانی فضای کسب‌وکار با رویکرد ابتکاری غفلت ورزیده‌اند (مورمایلی و

همکاران^۴، ۲۰۲۶). با عنایت به چالش‌های مطرح، طراحی یک مدل حکمرانی ابتکاری دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی است؛ مدلی که با اتکا به اصول نوآوری و کارآفرینی، مسیر حرکت از حکمرانی «فرماندهی و کنترل» به سمت حکمرانی «مشارکت و تسهیل» را ترسیم نماید (نورت^۵، ۲۰۲۲).

اگرچه این چالش‌ها در سطح جهانی مطرح‌اند، اما در اقتصاد ایران با شدت و عمق به مراتب بالاتری خود را نشان می‌دهند. اقتصاد ایران با وجود برخورداری از ظرفیت‌های انسانی و طبیعی غنی، سال‌هاست که در تله‌ی تورم‌های مزمن (همتی و همکاران^۶، ۲۰۲۳)، تحریم‌های خارجی (اسمورودین اسکایا و کاتوکو^۷، ۲۰۲۳) و از همه مهم‌تر، ساختارهای سنتی و به‌شدت بوروکراتیک نهادهای حاکمیتی محبوس مانده است. شاخص‌های جهانی سهولت کسب‌وکار و رقابت‌پذیری، گویای آن است که فضای کسب‌وکار در ایران به دلیل تعدد مراجع نظارتی متضاد، تفسیرهای یک‌سویه و متغیر از قوانین، مقررات‌گذاری‌های انفعالی و فقدان یک نظام حمایتی پویا، به یکی از عوامل اصلی فرار سرمایه‌ها، تعطیلی زودرس بنگاه‌ها و رشد افسارگسیخته‌ی اقتصاد زیرزمینی تبدیل شده است (میرعسکری و رضایی پیتنویی، ۲۰۲۴). در چنین شرایط بحرانی، رویکردهای سنتی و صرفاً دستورالعمل‌محور در حکمرانی دیگر کارایی ندارند؛ بلکه آنچه زیست‌بوم کسب‌وکار در ایران به شدت بدان نیازمند است، عبور از حکمرانی انفعالی به سمت «حکمرانی ابتکاری» است؛ رویکردی که در آن دولت خود را به یک کنشگر ریسک‌پذیر

5. North

6. Hemmati

7. Smorodinskaya & Katukov

1. Kapartziani

2. Osborne & Brown

3. Leceta & Könnölä

4. Mormile

و خلاق در مقابله با بحران‌ها و حمایت از تولید تبدیل کند تا اثرات سوء تحریم‌ها و تورم بر شرکت‌های کوچک و متوسط خنثی گردد.

پژوهش حاضر با طراحی چنین مدل‌هایی، ضمن غنی‌سازی ادبیات نظری حوزه حکمرانی و نوآوری، ابزاری عملیاتی در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد تا موانع ساختاری فضای کسب‌وکار را به شکلی پایدار و نوآورانه رفع سازند. با این حال، صرف تأکید بر لزوم طراحی مدل در سطح کلان، بدون در نظر گرفتن بسترهای منطقه‌ای و تجربیات ذی‌نفعان، راهگشا نخواهد بود. در همین راستا، استان کرمانشاه به عنوان یکی از قطب‌های صنعتی و مرزی کشور، نمونه‌ی بارزی از این تضاد ساختاری است. این استان با وجود پتانسیل‌های اقتصادی بالقوه نظیر وجود ۱۰۳ شرکت دانش‌بنیان (مولوی، ۱۴۰۵)، فضای کسب‌وکار آن و به‌ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط که ستون فقرات اقتصاد محلی را تشکیل می‌دهند، همچنان از معضلات ناشی از مدل‌های سنتی حکمرانی رنج می‌برند. این بنگاه‌ها که منابع محدودی در اختیار دارند، در مقایسه با شرکت‌های بزرگ، آسیب‌پذیرتر بوده و مستقیماً زیر فشار جمود بوروکراتیک، عدم شفافیت و ضعف حمایت‌های نهادی قرار دارند. شواهد میدانی حاکی از وجود گسست عمیق میان سیاست‌های کلان حکمرانی و واقعیت‌های عملیاتی در سطح بنگاه‌های کوچک و متوسط این استان است و الگوهای یکسان‌سازی شده ملی، پاسخگوی نیازهای خاص و محلی این منطقه نیستند.

بر این اساس، مسئله پژوهش حاضر دو بُعد دارد؛ نخست بُعد کاربردی (مشکل میدانی) که نشان می‌دهد شرکت‌های

کوچک و متوسط استان کرمانشاه به دلیل استیصال در دام حکمرانی سنتی (بوروکراسی پیچیده، عدم شفافیت و مقررات‌گذاری منفعلانه) با هزینه‌های مبادله بالا، رانت‌فروشی و رکود مواجه‌اند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵؛ رضایی مطلع و همکاران، ۱۳۹۹)، امری که برخورداری از شواهد میدانی و مستندات کلان محیط کسب‌وکار به روشنی و قاطع تایید می‌شود. دوم بُعد نظری (شکاف پژوهشی) که حاکی از آن است که علی‌رغم وجود مطالعات پیرامون «حکمرانی نوآورانه»، هنوز مفهوم «حکمرانی ابتکاری» که در آن ذات دولت به سمت ریسک‌پذیری و کنش‌گری تغییر می‌یابد؛ فاقد یک مدل جامع و بومی‌سازی شده برای اصلاح فضای کسب‌وکار است. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش آن است که: چگونه می‌توان الگوی حکمرانی ابتکاری را بر اساس تجربیات زیسته فعالان اقتصادی، برای بهبود فضای کسب‌وکار شرکت‌های کوچک و متوسط استان کرمانشاه طراحی نمود؟

پیشینه پژوهش

میرزایی^۱ (۲۰۲۶) در پژوهشی با هدف ارائه مدل‌های نوآورانه حکمرانی و پیوند دادن رضایت مدیریت شهری با مناطق اقتصادی ترکیبی نشان داد که رضایت مدیریت شهری از طریق ایجاد مناطق اقتصادی هیبریدی (ترکیبی) به طور معناداری منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و اقتصادی شده و در نتیجه، مدیریت شهری را در برابر چالش‌ها مقاوم‌تر می‌سازد. روگولنکو و همکاران^۲ (۲۰۲۵) با اجرای یک مرور نظام‌مند ادبیات به بررسی نقش دولت در توسعه کارآفرینی و

مانند تسهیل مقررات و حمایت‌های مالی و قانونی، می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار، کاهش محدودیت‌ها و ایجاد پیامدهای مثبت برای سیاست‌گذاران و کارآفرینان منجر شود. بائو و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با هدف بررسی سیستم‌های حاکمیتی نوآورانه و نوآوری‌های سبز در شرکت‌های مرتبط با کشاورزی، از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی استفاده کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که هیچ عنصر تکی در سیستم‌های حاکمیتی به تنهایی برای ایجاد نوآوری سبز کافی نیست؛ بلکه ترکیب‌های چندگانه‌ای نظیر همزمانی نظارت داخلی و خارجی با مشوق‌های دولتی می‌تواند نوآوری سبز بالا را در شرکت‌ها ایجاد کند و در این میان، یارانه‌های دولتی نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در تحقق پایداری محیطی ایفا می‌کنند. تسهیلات زیست‌محیطی جهانی^۴ (۲۰۲۱) در قالب یک مطالعه موردی خوب‌پراکتیس، به بررسی حکمرانی نوآورانه برای طراحی مشارکتی یک شهر سبز پرداخت. این گزارش سیاستی نشان می‌دهد که هماهنگی میان نهادهای دولتی مختلف و همچنین مشارکت فعال ذی‌نفعان شامل بخش خصوصی، عمومی و گروه‌های کاری تخصصی، شرط لازم برای تحقق حکمرانی نوآورانه است؛ پیامد این رویکرد مشارکتی، دستیابی به برنامه‌ریزی شهری پایدار، مدیریت دایره‌ای پسماند و در نهایت شکل‌گیری الگوی موفقی از شهر سبز ارزیابی می‌شود. اوباجی و اولوگو^۵ (۲۰۲۰) با انجام یک مرور جامع بر ادبیات پژوهش، به بررسی نقش سیاست‌های دولتی در توسعه کارآفرینی پرداختند. این مطالعه به این نتیجه رسید که

مدل‌های حکومتی پرداختند و نشان دادند که هیچ مدل حکومتی جهانی واحدی برای همه جوامع وجود ندارد و موفقیت سیاست‌های دولتی نه به میزان مداخله، بلکه به کیفیت محیط نهادی، سازگاری با شرایط فرهنگی-اجتماعی و پیش‌بینی‌پذیری قوانین بستگی دارد؛ همچنین این پژوهش تأکید می‌کند که در صورت اجرای درست مکانیسم‌های حمایتی، می‌توان محیط کسب‌وکار را مطلوب‌تر کرده و به رشد نوآوری، توسعه پایدار بنگاه‌های کوچک و متوسط و کاهش هزینه‌های تراکنشی دست یافت. موزا^۱ (۲۰۲۴) با استفاده از روش تحلیل کیفی و بررسی روایی سیاست، به ارزیابی حکمرانی نوآورانه برای سیاست انرژی تحول‌آفرین در کشورهای جنوب صحرای آفریقا پس از بحران کووید-۱۹ پرداخت و نشان داد که سیاست‌های نوآورانه اعمال‌شده در دوران کووید برای تحول انرژی ناکافی بوده‌اند و برای دستیابی به نتایج مطلوب، نیازمند مسیرهای تحول سبز، ساختاری و جنسیتی هستیم؛ در نتیجه، این رویکردها می‌توانند مسیرهایی برای دستیابی به عدالت انرژی و تحول عادلانه در این منطقه فراهم آورند. اونیلیوو^۲ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای با رویکرد توصیفی-مروری به بررسی تأثیر سیاست‌های دولت بر توسعه کارآفرینی پرداخت و نشان داد که سیاست‌های دولتی نقش حیاتی در تقویت تلاش‌های شرکتی و موفقیت آن‌ها ایفا می‌کنند؛ با این حال، وجود موانع نهادی نظیر قوانین ناکارآمد و عدم تعادل در سیاست‌های حمایتی، مانع از شکوفایی این حوزه می‌شود. در نهایت، نویسنده ابراز می‌دارد که اجرای سیاست‌های حمایتی مناسب

4. Global Environment Facility
5. Obaji & Olugu

1. Muza
2. Onileowo
3. Bao

سیاست‌های دولت نقش کلیدی در توسعه کارآفرینی و تأثیر مثبت آن بر توسعه اقتصادی ایفا می‌کند و بدون حمایت دولتی برای رفع موانع نهادی و شکست‌های بازار، چالش‌های پیش روی کارآفرینی تشدید می‌شود؛ نویسندگان تأکید دارند که درک دقیق این سیاست‌ها نه تنها به دستیابی به مزایای کلان‌اقتصادی نظیر رشد و اشتغال منجر می‌شود، بلکه نقشه راهی برای سیاست‌گذاران فراهم می‌آورد تا مداخلات خود را برای تسهیل رشد پایدار بهینه‌سازی کنند. بومول^۱ (۱۹۹۰) با اتخاذ یک رویکرد نظری-مفهومی کلاسیک، کارآفرینی را به سه دسته مولد، غیرمولد و مخرب تقسیم کرد و استدلال نمود که اگرچه عرضه کل کارآفرینان در جوامع مختلف تفاوت چندانی ندارد، اما سهم فعالیت‌های مولد بسیار متغیر است. این مطالعه بنیادین نشان می‌دهد که «قوانین بازی» (نهادها، مقررات و ساختار پاداش‌ها) تعیین می‌کنند که تلاش کارآفرینانه به سمت نوآوری و ایجاد ثروت هدایت شود یا به سمت رانت‌خواری و فساد؛ بنابراین، پیامد کلان این پژوهش آن است که جوامع با اصلاح نهادها و تغییر قوانین بازی به نفع نوآوری، می‌توانند رشد اقتصادی پایدار را بدون نیاز به افزایش عرضه کارآفرینان رقم بزنند.

رضایی مطلع و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی موانع و چالش‌های کسب و کارهای کوچک و متوسط در ایران پرداختند. آنها دریافتند که عوامل برون سازمانی همچون «مسائل اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و قانون و مقررات» تأثیر بسیار چشمگیری بر عملکرد این چنین کسب و کارهایی دارد. رستمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی چالش‌های

سازمان‌های کوچک و تأثیر ERP برای موفقیت این سازمان-ها در بازارهای جهانی پرداختند. آنها دریافتند که مهم‌ترین چالش‌های این سازمان‌ها عواملی همچون «تاسیس سازمان، مدیریت منابع انسانی، نداشتن تجربه کافی، توسعه فعالیت‌ها» هستند. میرفخرالدینی و بنی فاطمه (۱۳۹۳) در پژوهشی به تجزیه و تحلیل موانع پیاده‌سازی برنامه‌های بهبود در صنایع کوچک و متوسط استان یزد پرداختند. آنها دریافتند عواملی چون «استراتژی»، «کارکنان»، «رهبری»، «فرآیندها، محصولات و خدمات» و «مشارکت‌ها و منابع» می‌توانند در تحقق بهتر مدل بهره‌وری با موانع ساختاری مواجه شوند.

مرور ادبیات پژوهش حاکی از آن است که تمامی مطالعات بر نقش محوری دولت و ضرورت عبور از الگوهای سنتی حکمرانی اشتراک نظر دارند. برخی پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند تا الگوهایی از «حکمرانی نوآورانه» را در حوزه‌های خاصی نظیر مناطق هیبریدی شهری، انرژی و کشاورزی تدوین کنند. در بستر داخلی نیز مطالعات متعددی به تشریح موانع ساختاری، قانونی و مدیریتی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط پرداخته‌اند؛ با این حال، این پژوهش‌ها عمدتاً در سطح بنگاهی مانده و راهکارهای حکمرانی کلان را برای رفع این موانع ارائه نکرده‌اند. با این وجود، شکاف پژوهشی اصلی مطالعه حاضر در گذار از مفهوم ابزارمحور «حکمرانی نوآورانه» به سوی «حکمرانی ابتکاری» نهفته است؛ رویکردی که فراتر از تمرکز بر بخش‌های جغرافیایی یا موضوعی خاص به دنبال تغییر بنیادین در ماهیت دولت است تا این نهاد به یک کنشگر ریسک‌پذیر و فرصت‌طلب در فضای کلی کسب‌وکار تبدیل شود. افزون بر این، در حالی که اکثر

مطالعات پیشین عمدتاً رویکردی توصیفی داشته و صرفاً به بررسی رابطه خطی میان سیاست و کارآفرینی پرداخته‌اند، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی «طراحی‌محور» در پی توسعه مدلی جامع و عملیاتی است؛ مدلی که بتواند شکاف میان ادبیات کلان و واقعیت‌های اجرایی را پر کرده و مکانیسم‌های استقرار نوآندیشی و تسهیل‌گری را در سطح ساختاری به دقت تبیین کند.

چارچوب مفهومی

اگرچه رویکردهای مدیریتی به قواعد بازی اشاره دارند، اما از منظر جامعه‌شناسی صنعتی، این قواعد نهادی تعیین می‌کنند که آیا ساختار اجتماعی حاکم بر صنعت، به سمت تولیدمندی و انسجام (کارآفرینی مولد) هدایت می‌شود یا به سمت توزیع رانت و تعارض طبقاتی. بر این اساس، زیربنای نظری حکمرانی ابتکاری در جهت بهبود فضای کسب‌وکار بر تلفیق سه رکن اصلی در علوم مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی استوار است: نخست، نظریه نهادگرایی است که داگلاس نورث (۱۹۹۰) از پایه‌گذاران آن به شمار می‌رفت، وی بر نقش قواعد بازی (رسمی و غیررسمی) در تعیین عملکرد اقتصادی تأکید داشت؛ این نظریه بیان می‌کند که هزینه‌های مبادله و عدم قطعیت نهادی، موانع اصلی رونق کسب‌وکار هستند و حکمرانی ابتکاری با اصلاح ساختار نهادی، این هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. دوم، نظریه حکمرانی عمومی نوین است که استفن آیزورن (۲۰۰۶) آن را توسعه داد، وی در این رویکرد بر گذار از بوروکراسی سلسله‌مراتبی به سمت

شبکه‌سازی و همکاری با بخش خصوصی تأکید دارد و دولت را به عنوان یک «تسهیل‌گر» و نه صرفاً یک «فرمانده» می‌بیند. در نهایت، نظریه دولت دیجیتال و نوآوری عمومی است که هارتلی^۱ (۲۰۰۵) آن را پی‌ریزی کرد. او نیز بر لزوم بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و داده‌های کلان برای افزایش شفافیت، چابکی و پاسخگویی در اداره امور عمومی تأکید داشت.

تلفیق این رویکردها، «حکمرانی ابتکاری» را نه صرفاً مدیریت ابزاری نوآوری، بلکه به عنوان تغییر بنیادین در ماهیت دولت تبیین می‌کند؛ دولتی که نهاده‌سازی روحیه کارآفرینی، ریسک‌پذیری و شناسایی فرصت را در ذات ساختار خود جای می‌دهد (انسل و تورفینگ^۲، ۲۰۲۱؛ مازوکاتو و کاتل^۳، ۲۰۲۰). در این چارچوب مفهومی، حکمرانی ابتکاری مکانیسمی است که از طریق ترکیب اصلاحات تعاملی-قانونی و نوآوری در زیرساخت‌های دیجیتال، گره از روابط نهادی گشوده، فساد و رانت را کاهش داده (ساهو و همکاران، ۲۰۲۵) و اعتماد عمومی را برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت جلب می‌کند (اجیمانگ^۵ و همکاران، ۲۰۲۵). بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال آن است که نشان دهد چگونه تبدیل ساختارهای سنتی به بسترهای هوشمند و تسهیل‌گر، نه تنها فضای کسب‌وکار را رقابتی می‌کند، بلکه در سطح کلان جامعه‌شناختی، مانع از تضعیف طبقه متوسط صنعتی شده و به انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

روش پژوهش

هدف محوری این پژوهش، تدوین الگوی حکمرانی ابتکاری جهت ارتقای محیط کسب‌وکار است. این مطالعه با اتکا به

4. Sahu
5. Agyemang

1. Hartley
2. Ansell & Torfing
3. Mazzucato & Kattel

به‌نحوی که از طریق نمونه‌گیری گلوله‌برفی، تلاش شد حداقل نمایندگانی از شرکت‌های دانش‌بنیان نیز در ترکیب نمونه حضور یابند. با توجه به اینکه موانع حکمرانی سستی برای اکثر بنگاه‌های منطقه ماهیتی مشترک و تکرارشونده دارد، انتخاب شرکت‌کنندگان واجد شرایط و باسابقه (مشخصات آن‌ها در جدول ۱ آمده) باعث شد تکرار مفاهیم و دسته‌بندی‌ها زودتر رخ دهد و اشباع نظری داده‌ها، با وجود پیچیدگی فرآیندها، از مصاحبه هفتم حاصل آید.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مصاحبه شونده	شغل - پست سازمانی	سابقه کار	مدرک تحصیلی
M ₁	مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان	۱۵	دکتری مدیریت دولتی
M ₂	مدیر عامل واحد تولیدی صنعتی	۱۲	ارشد MBA
M ₃	بنیان‌گذار و مدیر استارت‌آپ فناور	۱۰	ارشد مهندسی صنایع
M ₄	مدیر شرکت بازرگانی و خدماتی	۱۸	دکتری مدیریت بازرگانی
M ₅	عضو هیئت مدیره شرکت صنایع غذایی	۱۱	ارشد مدیریت صنعتی
M ₆	مدیر عملیات بنگاه تولیدی	۱۴	ارشد مدیریت
M ₇	مدیر مجتمع خدمات تجاری	۱۳	ارشد اقتصاد
M ₈	مدیر ارشد توسعه کسب‌وکار	۱۶	دکتری مدیریت استراتژیک

رویکردی تفسیری و استقرایی، در چارچوب روش کیفی و با استراتژی نظریه داده‌بنیاد (استراوس و کوربین^۱، ۲۰۱۴) اجرا شد. جامعه آماری پژوهش را کارآفرینان و فعالان اقتصادی بنگاه‌های کوچک و متوسط (با تاکید بر گنجانیدن شرکت‌های دانش‌بنیان به عنوان نمونه‌های دارای بار نوآوری) استان کرمانشاه در سال ۱۴۰۴ تشکیل دادند. فرآیند نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و نظری و با تمرکز بر انتخاب افراد کلیدی و آگاه به پیچیدگی‌های ساختاری آغاز شد؛

به‌صورت آنلاین انجام گرفت. زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۰ دقیقه متغیر بود و بلافاصله پس از پایان، پیاده‌سازی کلمه‌به‌کلمه و بازبینی توسط مصاحبه‌شونده صورت پذیرفت. ۴) فرآیند تحلیل: در مرحله اول، متن مصاحبه‌ها خط‌به‌خط خوانده و کدهای باز استخراج گردید. سپس با مقایسه مستمر کدها، شباهت‌ها در قالب مقوله‌های فرعی دسته‌بندی شدند و در نهایت با ارتباط دادن مقوله‌ها در چارچوب مدل استراوس و کوربین، کدگذاری انتخابی انجام شد. ۵) تشخیص اشباع نظری: اشباع در مصاحبه هفتم رخ داد؛ به این معنا که داده‌های

در فرآیند اجرایی پژوهش برای پاسخگویی به پرسش پژوهش، مراحل زیر به‌صورت عملیاتی طی شد: ۱) طراحی ابزار: سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پس از مرور ادبیات و با راهنمایی اساتید متخصص، در قالب سؤالات اصلی و جهت‌دهنده طراحی و روایی ظاهری آن تأیید شد. ۲) دسترسی به نمونه‌ها: با استفاده از شبکه‌های حرفه‌ای و معرفی‌های زنجیره‌ای (گلوله‌برفی)، با مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط در کرمانشاه تماس گرفته شد. ۳) اجرای مصاحبه‌ها: مصاحبه‌ها در محل کار مصاحبه‌شوندگان یا

شرایط علی

اصلاحات قانون‌گذاری

این مقوله کلی که شامل بازنگری شبکه قوانین و مقررات، بهینه‌سازی فرآیندهای اداری و رویکرد عدالت‌محوری است، به عنوان موتور محرک و علت ایجاد تقاضا برای حکمرانی ابتکاری عمل می‌کند. این اصلاحات برای مقابله با بوروکراسی پیچیده اداری و تضاد در مقررات و ایجاد رقابت برابر ضروری است (اوباجی و اولوگو، ۲۰۲۰)

مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد: «خوب یکی از بزرگترین موانع ما بوروکراسی‌های اداری وحشتناکی هست که توی همه نهادهایی که باهاشون کار داریم وجود داره. دیگه فرض کنید ما می‌خواهیم به مجوز خیلی مشخص ایمنی بگیریم، اینقدر پاسکاری می‌شه از اینجا به اونجا، اینقدر می‌مدارک می‌خوان، اسمشون هم شده سیستم الکترونیک ولی اتفاقاً بدتر هم شده چون اصلاً دیگه شما دسترسی ندارین برا پیگیری کارتون و متأسفانه این تقریباً همه گیره توی همه ادارات.»

توسعه زیرساخت‌های اقتصادی بازار

این علت بر تثبیت متغیرهای کلان اقتصادی، توسعه اکوسیستم مالی و تسهیل مکانیزم‌های رقابتی در بازار دلالت دارد. چالش‌هایی مانند تورم مزمن، نوسانات ارزی و ناکارآمدی نظام بانکی به صورت مستقیم موجب تضعیف انگیزه و ایجاد موانع اساسی برای فعالیت بنگاه‌ها شده‌اند (بومول، ۱۹۹۰).

مشارکت‌کننده شماره ۱ در این باره گفت: «شما نمی‌دونی فردا صبح نرخ ارز چنده، تورم چطور هزینه‌ها رو می‌بلعه. تازه بانک‌ها هم که اصلاً حاضر نیستند به ما وام بدن مگه

مصاحبه هفتم صرفاً تکرار کدهای قبلی بود و مفهوم جدیدی اضافه نکرد. با توجه به تخصص بالا و تجربه طولانی مدت شرکت‌کنندگان، عمق داده‌های استخراج شده معادل داده‌های حاصل از مصاحبه با نمونه‌های بیشتر اما با سطح تخصص پایین‌تر بود. برای اطمینان خاطر، مصاحبه هشتم نیز انجام و تکرار کدها تأیید گردید. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA انجام شد. جهت تضمین اعتبار یافته‌ها، چارچوب لینکلن و گوبا شامل چهار ملاک اعتبار، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری مبنای کار قرار گرفت. برای تحقق اعتبار، علاوه بر سرمایه‌گذاری زمانی مناسب جهت غوطه‌وری در داده‌ها، از تکنیک کدگذاری توسط دو کدگذار مستقل و نظرات صاحب‌نظران استفاده شد تا ضمن کاهش سوگیری، انسجام نتایج ارتقا یابد. در خصوص انتقال‌پذیری، یافته‌ها در اختیار سه متخصص خارج از فرآیند پژوهش قرار گرفت تا قابلیت تعمیم آن‌ها به سایر زمینه‌ها سنجیده شود. برای تأمین اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری، تمامی مراحل کار و جزئیات تحلیل به دقت مستندسازی شد تا امکان بازبینی و تأیید توسط پژوهشگران دیگر فراهم گردد.

یافته‌ها

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و آماده‌سازی بستر تحلیل، فرآیند کدگذاری باز در چارچوب نظریه داده‌بنیاد انجام گرفت. این بررسی دقیق و جزءبه‌جزء داده‌ها منجر به استخراج ۱۶۸ کد اولیه شد که بازتاب‌دهنده عمق محتوایی مصاحبه‌های انجام شده است. در ادامه، یافته‌های هریک از اجزای پنج بعدی نظریه زمینه‌ای، ارائه می‌شوند.

اینکه یه خونه تجاری یا زمین با توافق بیاری بذاری تو ره‌نشون. ما شرکت دانش‌بنیانیم، ایده و تکنولوژی داریم نه زمین. نظام بانکی داره ما رو خفه می‌کنه.»

مشارکت‌کننده شماره ۷ در مورد زیرساخت‌ها گفت: «ما تو شهرک صنعتی کرمانشاه هستیم، اینترنت ما اونقدر قطع و وصل می‌شه که نمی‌تونیم حتی یه فایل سنگین برای مشتری خارجی بفرستیم. تازه اگه بخوایم گسترش بدیم و فضای بیشتر بخوایم، قیمت زمین تو کرمانشاه به شدت بالاست و تازه زیرساخت‌های لجستیکی شهرک اصلاً برای بارگیری کامیون‌های سنگین مناسب نیست.»

توانمندسازی زیرساخت‌های فناورانه

این مقوله به کمبودهای سخت‌افزاری و لجستیکی مانند نوآوری فناورانه، بهینه‌سازی پایدار انرژی و توسعه زیرساخت‌های مکانی و لجستیکی اشاره دارد که بدون رفع آن‌ها، تولید و نوآوری قفل خواهد شد.

جدول ۲. شرایط علی حکمرانی ابتکاری

کد	مفهوم	مقوله
تثبیت و استمرار سیاست‌های کلان اقتصادی/ اصلاح و انعطاف‌پذیری قوانین کار و تأمین اجتماعی/ تقویت حمایت قانونی از مالکیت فکری و خلاقیت/ همسویی مقررات زیست‌محیطی با حمایت از تولید/ اصلاح قوانین دست‌وپاگیر/ تمرکز بر هسته‌های اصلی موانع/ تدوین و اجرای قانون جامع کسب‌وکار	بازنگری شبکه قوانین و مقررات	اصلاحات قانون‌گذاری
پتانسیل بالای چابک‌سازی و ساده‌سازی فرآیندهای اداری/ تسهیل و تسریع صدور مجوزهای کسب‌وکار/ ایجاد ثبات، شفافیت و ساده‌سازی قوانین مالیاتی/ ساماندهی و توسعه بازارچه‌های خرده‌فروشی استاندارد	بهینه‌سازی فرآیندهای اداری	
ظرفیت‌سازی برای شفافیت و عدالت در تخصیص منابع/ استقرار شفافیت و رقابت در مناقصات دولتی/ یکپارچگی و هماهنگی نظارتی با رویکرد تسهیل‌گری/ رفع تبعیض و ایجاد فضای برابر رقابتی/ تسریع و کارآمدی نظام قضایی در دعاوی تجاری/	عدالت‌محوری	
فرصت ایجاد ثبات اقتصادی و مدیریت تورم/ ایجاد ثبات گمرکی و مدیریت بهینه نوسانات ارز/ ارتقای اعتماد عمومی از طریق تسویه بهنگام حساب‌های دولت/	تثبیت متغیرهای کلان اقتصادی	توسعه زیرساخت‌های اقتصادی بازار
اصلاح نظام بانکی/ تسهیل جریان نقدینگی و تبیین راهکارهای یکپارچه مالی/ توسعه ابزارهای نوین تأمین مالی و ضمانت/ تعدیل نرخ بهره و همسویی با نیازهای تولید/ استقرار نظام اعتبارسنجی هوشمند بانکی/ توسعه پوشش بیمه‌ای و مدیریت ریسک کسب‌وکار/ مدیریت حرفه‌ای و شفاف صندوق حمایت از صنایع	توسعه اکوسیستم مالی	
حرکت به سمت مکانیزم‌های بازار/ قیمت‌گذاری عادلانه/ تضمین رقابت سالم تولید داخلی/ تضمین حمایت از تولید داخلی/ توسعه زیرساخت‌ها و بازارهای هدف صادرات غیرنفتی/ جذب سرمایه و کارآفرینان/	تسهیل مکانیزم‌های رقابتی در بازار	
پذیرش نوآوری/ توسعه دیجیتال/ تمرکز بر توانمندی‌های بومی برای خروج از محدودیت‌های تکنولوژیک	نوآوری فناورانه	توانمندسازی زیرساخت‌های فناورانه
مدیریت پایدار انرژی و پشتیبانی از صنایع/ بهینه‌سازی مصرف/ کاهش هزینه‌های سربار/	بهینه‌سازی انرژی	
تأمین زمین و فضا با قیمت عادلانه برای توسعه تولید/ توسعه زیرساخت‌های لجستیکی و حمل‌ونقل یکپارچه/ توسعه زیرساخت‌های فیزیکی نواحی صنعتی/	توسعه زیرساخت‌های مکانی و لجستیکی	

جدول ۳. شرایط زمینه‌ای حکمرانی ابتکاری

کد	مفهوم	مقوله
حرکت به سمت فرهنگ ریسک‌پذیری، نوآوری و مدیریت شکست / اصلاح نظام آموزشی در جهت تربیت کارآفرینان/ترویج فرهنگ کار گروهی و شبکه‌سازی/توسعه سنت مشاوره و استفاده از دانش متخصصان	نهادینه‌سازی ذهنیت نوآور	بستر فرهنگی، اجتماعی
	توسعه قانون‌مداری، اعتماد عمومی	
	توسعه اخلاق حرفه‌ای	
فرهنگ خیریه‌سازی و مسئولیت اجتماعی / فرهنگ حقوق مصرف‌کننده / حمایت از کالای داخلی / فرهنگ شفافیت مالی و پاسخگویی / فرهنگ‌سازی تولید سبز و حفظ محیط زیست /		
تلاش برای کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی / تقویت نظام آماری و اطلاعات دقیق اقتصادی / بهره‌وری مطلوب از ساختار جمعیتی کشور / شکستن انحصارها / قدرت‌مندسازی تشکلهای خصوصی و جامعه مدنی / گسترش ابزارهای مالی اسلامی و نوآورانه / سیاست‌گذاری برای کوچ‌سازی اقتصاد زیرزمینی و شفافیت / توسعه و عمق بخشیدن به بازار سرمایه / ظرفیت‌سازی و ایجاد بستر اولیه برای توسعه زیست‌بوم سرمایه‌گذاری خطرپذیر / ایجاد امنیت و اطمینان برای سرمایه‌گذاران / تقویت نقش دانشگاه‌ها در زیست‌بوم کارآفرینی / حرکت به سمت مدیریت حرفه‌ای در شرکت‌ها /	بازسازی نظام اطلاعاتی بازار	ساختار اقتصادی، نهادی و بازار
	دموکراتیزه کردن فضای بازار	
	مدیریت بنگاه‌ها با نقش نهادهای میانجی	
توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، اینترنت پرسرعت و بانک‌های اطلاعات فناورانه /	توسعه شبکه دیجیتال	زیرساخت‌های
ایجاد کلان منطقه‌های صنعتی، تمرکز جغرافیایی بهینه و تکمیل زیرساخت‌های فیزیکی / بهبود و نوسازی زیرساخت‌های لجستیکی کشور /	ارتقای زیرساخت‌های سخت و لجستیکی	فیزیکی، دیجیتال و جغرافیایی
	توازن فضایی	
برنامه‌ریزی برای رفع انزوای مناطق کمتر برخوردار / توزیع متوازن جمعیت و امکانات در سطح کشور		

شرایط زمینه‌ای

کرمانشاه خیلی ضعیفه. همه دنبال شغل امن دولتی هستن،

بستر فرهنگی و اجتماعی

کسی حاضر نیست بره تو فضای کسب‌وکار و ریسک کنه

چون اعتماد عمومی به سیستم اقتصادی وجود نداره.»

این مقوله بر نهادینه‌سازی ذهنیت نوآور، توسعه قانون‌مداری و اعتماد عمومی و همچنین توسعه اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان پیش‌نیاز نرم برای پذیرش حکمرانی جدید است.

ساختار اقتصادی، نهادی و بازار

این مقوله بر ضرورت بازسازی نظام اطلاعاتی بازار، دموکراتیزه کردن فضای بازار و تقویت مدیریت بنگاه‌ها با نقش نهادهای میانجی دلالت دارد که زمینه را برای استیصال بنگاه‌های کوچک فراهم و نیاز به تغییر را آشکار می‌سازد.

مشارکت‌کننده شماره ۳ بیان کرد: «تو جامعه ما اگر کسی به کسب‌وکار راه بندازه و بعدش ورشکسته بشه، همه می‌پرن دورش و می‌گن آدم بی‌کاره بود. فرهنگ مدیریت شکست تو

این مقوله، اساساً بر توسعه شبکه‌های دیجیتال، ارتقای زیرساخت‌های سخت و لجستیکی و برقراری توازن فضایی در توزیع امکانات اشاره دارد.

مشارکت‌کننده شماره ۲ گفت: «کروانشاه به استان مرزی با ظرفیت عالی برای صادرات به عراق، اما نگاه کنید جاده‌های ترانزیتی و زیرساخت‌های مرزی چقدر سنتی و خرابه. توزیع امکانات تو استان نامتوازنه و همه چیز متمرکز تو مرکز استان، شهرک‌های صنعتی هم که هنوز به صورت سنتی اداره میشن و پهنای باند مناسب برای صنایع جدید ندارن.»

مشارکت‌کننده شماره ۸ در این باره گفت: «اقتصاد ما به اقتصاد انحصاریه. دولت و نهادهای وابسته به اون، بازیگر اصلی بازاره. ما به عنوان SME ها هیچ قدرت چانه‌زنی نداریم. اتاق بازرگانی هم متأسفانه تو این زمینه ضعیف عمل کرده و نتوانسته قدرت بخش خصوصی رو در برابر این انحصارات دولتی و نیمه‌دولتی حفظ کنه.»

زیرساخت‌های فیزیکی، دیجیتال و جغرافیایی

جدول ۴. شرایط مداخله گر حکمرانی ابتکاری

کد	مفهوم	مقوله
وجود اراده سیاسی قوی برای اصلاحات ساختاری/ برخورداری از ثبات سیاسی، امنیت ملی، تقویت وفاق و کاهش تنش‌های داخلی/ تقویت استقلال و کارایی قوه قضاییه/ توسعه روابط دیپلماتیک و تعاملات بین‌المللی سازنده/ بهره‌برداری از توافقات تجاری منطقه‌ای/ متنوع‌سازی شرکای تجاری در شرایط جنگ‌های تجاری/ جذب سرمایه‌گذاران خارجی جهت انتقال تکنولوژی/ کسب اعتبار بین‌المللی و بهره‌مندی از مزایای رعایت قوانین ضد پولشویی/	عزم سیاسی درون‌زا	محیط کلان سیاسی و بین‌المللی
	دیپلماسی خارجی تعامل‌گرا	
مدیریت هوشمندانه بازارهای جهانی انرژی/ بازتخصیص بهینه منابع بودجه‌ای، برنامه‌ریزی برای کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی/ اتخاذ سیاست‌های پولی هوشمند و حامی تولید/ مدیریت هوشمندانه واردات بر اساس قیمت‌های جهانی/ تمرکز بر راهکارهای بومی برای دور زدن محدودیت‌های بانکی/ قدرت چانه‌زنی اتاق‌های بازرگانی/ دیالوگ سازنده کارفرما و کارگر برای اصلاح قوانین/ افزایش تاب‌آوری اقتصادی در برابر بحران‌های ناگهانی/ همگرایی با استانداردهای جهانی جهت ارتقای کیفیت/ فرصت یادگیری و رقابت با بانک‌های خارجی منطقه/	سیاست‌گذاری هوشمندانه در مدیریت مالی	محیط اقتصادی، مالی و بازار
	تاب‌آوری و چانه‌زنی نهادهای اقتصادی	
	استانداردهای جهانی بازار	
مطالبه‌گری سازنده افکار عمومی و رسانه‌ها برای شفافیت/ افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی/ نقش فعال و فرهنگ‌ساز نهادهای مذهبی در حمایت از کاروجود الگوهای موفق و رهبران کارآفرین در کشور/ بهره‌گیری از فرصت‌های تحولات تکنولوژیک جهانی (صنعتی ۴.۰)/ ظهور فین‌تک‌ها و نوآوری‌های دیجیتال/ نفوذ مثبت شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری بازارهای نوین/ توسعه زیرساخت‌های اینترنت اشیاء، امنیت سایبری و ارتباطی امن و پایدار/ گسترش پلتفرم‌ها و زیرساخت‌های تجارت الکترونیک و آنلاین/ رقابت پذیری و اطلاع‌رسانی رسانه‌های داخلی/ توجه به مسائل زیست‌محیطی و توسعه پایدار/ نوآوری در محصولات و پاسخگویی به تغییر ذائقه و نیازهای نسل جدید/	توسعه سرمایه اجتماعی	محیط اجتماعی، فرهنگی و فناورانه
	استقرار زیرساخت‌های فناورانه	
	همسویی با نیازهای نوین	

شرایط مداخله گر

محیط کلان سیاسی و بین‌المللی

این مقوله دربرگیرنده عزم سیاسی درون‌زا و همچنین دیپلماسی خارجی تعامل گرا است که مسیر کلان حکمرانی و کسب‌وکار را تحت تأثیر شدید قرار می‌دهند.

مشارکت‌کننده شماره ۵ بیان کرد: «تحریم‌ها به شدت به ما فشار آورده. ما برای واردات یه قطعه ساده که روی دستگاه هوشمندمونه باید چند برابر قیمت واقعی پول بدیم به واسطه‌ها. این شوک‌ها باعث شده که برنامه‌ریزی بلندمدت ما کاملاً به هم بریزه و نیاز به یک حکمرانی ریسک‌پذیر داریم که بتونه با سیاست‌های جایگزین، این فشارها رو خنثی کنه.»

محیط اقتصادی، مالی و بازار

این مقوله بر سیاست‌گذاری هوشمندانه در مدیریت مالی، ارتقای تاب‌آوری و چانه‌زنی نهادهای اقتصادی و نیز همسویی با استانداردهای جهانی بازار دلالت دارد که بنگاه‌های کوچک به تنهایی توانایی مقابله با آنها را ندارند.

مشارکت‌کننده شماره ۱ گفت: «شما برنامه‌ریزی می‌کنی برای سال آینده، ناگهان می‌بینی دلار یهو جون می‌گیره میره بالا، مواد اولیه/ات چند برابر می‌شه. دولت به عنوان حاکمیت هیچ مدیریتی روی این شوک‌های اقتصادی نداره. تورم مزمن داره ما رو خفه می‌کنه و هیچ چاره‌ای هم براش نداریم.»

محیط اجتماعی، فرهنگی و فناورانه

این مقوله به توسعه سرمایه اجتماعی، استقرار زیرساخت‌های فناورانه و همسویی با نیازهای نوین دلالت دارد که سازوکارهای دولتی را مجبور به تطابق و چابکی می‌سازند.

مشارکت‌کننده شماره ۶ در این مورد گفت: «امروز دیگه بازار سنتی جواب نمیده. مشتری‌های ما نسل جدیدن که با گوشی خرید می‌کنن. رقبا ما دارن از پلتفرم‌های آنلاین و فین‌تک‌ها استفاده می‌کنن اما ما تو روش‌های سنتی گیر کردیم. اگر به این تحولات توجه نشه ما از بازار حذف می‌شیم.»

راهبردها

اصلاحات ساختاری، اداری و قانونی

این مقوله بر اقدامات عملی چابک‌سازی دولت دلالت دارد. مشارکت‌کننده شماره ۷ گفت: «راهکارش چیه؟ باید اون پنجره واحدی که همیشه تو اخبار می‌گن، واقعاً تو کرمانشاه اجرایی بشه. یعنی من بتونم با یه کلیک، همون لحظه مجوزم رو بگیرم بدون اینکه اصلاً با کارمند روبه‌رو بشم. باید هوش مصنوعی بیاد تو ادارات و پرونده‌ها رو خودکار چک کنه تا رانت و پاسکاری از بین بره.»

حمایت مالی، مالیاتی و توسعه بازار

این مؤلفه شامل سیاست‌های حمایتی است؛ نظیر تخصیص تسهیلات مالیاتی، توسعه مکانیزم‌های نوین سرمایه‌گذاری و تسهیل‌گری امور مالی برای رشد بنگاه‌ها.

مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد: «دولت باید بیاد صندوق‌های ضمانتی ایجاد کنه به جای اینکه از ما سند ملکی بخواد، ایده و تکنولوژی ما رو بسنجه و وام‌های خرد بدون وثیقه بده. مالیات رو آگه برای شرکت‌های دانش‌بنیان معاف کنن، پولی که پس‌انداز می‌کنیم رو می‌بریم صرف نوآوری و توسعه می‌کنیم نه اینکه خرج مالیات بشه.»

توانمندسازی، نوآوری و توسعه زیرساخت

یعنی ما چند تا شرکت کوچک، یه آزمایشگاه مشترک داشته

باشیم یا تجهیزات سنگین رو به صورت اشتراکی استفاده کنیم

تا هزینه سربارمون بیاد پایین. باید به مدیران آموزش بدن، ما

آدم‌های فنی خوبیم ولی تو بازاریابی دیجیتالی خیلی ضعیفیم.»

این بخش بر ارتقای ظرفیت‌های درونی تمرکز دارد؛ از

طریقتوانمندسازی منابع انسانی، تقویت زیست‌بوم نوآورانه،

ایجاد شبکه‌های اشتراکی و تحول در ابزارهای مالی.

مشارکت‌کننده شماره ۲ گفت: «بهترین راهکار اینه که پارک

علم و فناوری بیاد اکوسیستم‌های کار اشتراکی ایجاد کنه.

جدول ۵. راهبردهای حکمرانی ابتکاری

کد	مفهوم	مقوله
اجرای سامانه‌های آنلاین ثبت شرکت‌ها، مجوزها و پنجره واحد تسویه بدهی دولت / راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند داوری اختلافات کسب‌وکار / کاربرد هوش مصنوعی در رصد تخلفات و پیاده‌سازی سیستم یکپارچه پاسخگویی دولتی /	دیجیتالی‌سازی خدمات دولتی	اصلاحات ساختاری، اداری و قانونی
ساده‌سازی اظهارنامه مالیاتی به ۳ فیلد اصلی / حذف مجوزهای زائد و غیرضروری / برون‌سپاری خدمات پشتیبانی به شرکت‌های خصوصی /	چابک‌سازی و برون‌سپاری خدمات	
قوانین منعطف برای مشاغل نوین / رویکرد پیشگیرانه در تنظیم‌گری به جای تنبیهی / سازوکارهای حل اختلاف جایگزین / رگولاتورهای تخصصی برای فناوری‌های نو	قانون‌گذاری چابک و تحول در مکانیزم‌های تنظیم‌گری	
تشکیل شوراهای سیاست‌گذاری / ایجاد کارگروه‌ها با حضور SMES در رفع موانع تولید /	توسعه حکمرانی مشارکتی	
تمرکز زدایی اداری و مالی / برون‌سپاری خدمات عمومی / ارزیابی عملکرد کیفی نهادهای دولتی / حکمرانی نوین در مدیریت دارایی‌های دولتی / ساماندهی صندوق‌های بازنشستگی و حمایتی /	باز طراحی مدیریت منابع دولتی	
کاهش نرخ مالیات شرکت‌های دانش‌بنیان و نوپا / وام‌های سرمایه در گردش با نرخ ترجیحی	تخصیص تسهیلات مالیاتی	حمایت مالی، مالیاتی و توسعه بازار
ایجاد صندوق‌های جسورانه دولتی / ایجاد صندوق‌های ضمانت برای وام‌های خرد / تشویق به خروج از بورس کالاهای سنتی و ورود به نوین	توسعه مکانیزم‌های نوین سرمایه‌گذاری	
ایجاد بازارچه‌های دائمی صادراتی در مناطق آزاد / لابی‌گری برای رفع موانع گمرکی صادراتی و اعطای معافیت‌های گمرکی برای واردات مواد اولیه / اصلاح فرآیندهای تخصیص ارز برای صنایع / بهبود وضعیت تراز تجاری کشور	تسهیل‌گری امور مالی	
ارائه دوره‌های آموزشی دیجیتال مارکتینگ به SME ها / برگزاری دوره‌های بازآموزی قوانین کار برای مدیران / افزایش مشارکت بانوان در فعالیت‌های اقتصادی	توانمندسازی منابع انسانی	توانمندسازی، نوآوری و توسعه زیرساخت
کانون‌های نوآوری، رشد در دانشگاه‌ها و استارت‌آپ‌های دولتی / جشنواره‌های ملی کارآفرینی / افزایش شاخص‌های نوآوری ملی / برندسازی ملی برای محصولات شرکت‌های کوچک	تقویت زیست‌بوم نوآورانه	
اکوسیستم‌های کار اشتراکی / شبکه‌های تامین مواد اولیه مشترک / زیرساخت اشتراک تجهیزات	ایجاد شبکه‌های اشتراکی	
نظارت تنظیم‌گرانه به جای نظارت سنتی / همگرایی ابزارهای مالی و مالیاتی / توسعه زیرساخت‌های تأمین مالی جمعی	تحول در ابزارهای مالی	

جدول ۶. پیامدهای حکمرانی ابتکاری

کد	مفهوم	مقوله
اقتصادی و توسعه بازار	تقویت تولید و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی	خروج اقتصاد از رکود/ رونق تولید و تثبیت ثبات بلندمدت/ افزایش رشد صادرات غیرنفتی/ ارزآوری و تبدیل شرکت‌های کوچک به بازیگران جهانی/ خودکفایی در محصولات استراتژیک/ افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌ها/
	جذب سرمایه	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی/ رقابت‌پذیری داخلی و بهره‌وری ارتقای شاخص‌های رقابت جهانی/ افزایش درآمدهای مالیاتی پایدار و عادلانه/ توسعه بازار سرمایه و بورس برای تأمین مالی/ بهبود کلی فضای کسب و کار/
نهادی حکمرانی	ارتقای رتبه‌های جهانی کسب‌وکار	افزایش سهولت شروع کسب‌وکار/ بهبود رتبه جهانی/
	مقابله با فساد نهادی	کاهش فساد، رانت‌خواری، هزینه‌های پنهان و رشوه در بروکراسی و نهادهای حاکمیتی/ بهبود شفافیت در معاملات دولتی، تقویت نظم و قانون‌مداری در فضای اقتصادی/ کاهش سهم اقتصاد زیرزمینی و غیررسمی
	بازسازی مشروعیت حکومتی	افزایش اعتماد عمومی به دولت/ افزایش اعتماد به نظام
اجتماعی و فن‌آورانه	بهبود وضعیت اشتغال‌زایی و مهاجرفرستی	کاهش نرخ بیکاری، شکاف فقر و ثروت و توسعه طبقه متوسط/ کاهش مهاجرت نخبگان و سرمایه‌های انسانی
	توسعه زیست‌بوم نوآوری، نفوذ فناوری	ضریب نفوذ فناوری در بنگاه‌ها/ رشد فرهنگ کارآفرینی، نوآوری اجتماعی و ایجاد اکوسیستم پویا و خودتکرارشونده/ پیوند میان صنعت و دانشگاه برای حل مسائل
	ارتقای بهره‌وری سازمانی	افزایش بهره‌وری عوامل تولید/ ارتقای کیفیت محصولات و خدمات داخلی/ توسعه پایدار و متعادل اقتصادی منطقه‌ای/ استاندارد شدن فرآیندهای تولید و خدمات

پیامدها

اقتصادی و توسعه بازار

این دسته شامل نتایج ملموس و کلان‌اقتصادی است؛ نظیر تقویت تولید و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی، جذب سرمایه و ارتقای رتبه‌های جهانی کسب‌وکار.

مشارکت‌کننده شماره ۸: «آگاه این حکمرانی ابتکاری درست اجرا بشه، می‌تونیم محصولاتمون رو به راحتی صادر کنیم به عراق و ترکیه و ارزآوری داشته باشیم. الان تو رکودیم، اما با بهبود فضای کسب‌وکار، سرمایه‌گذار خارجی هم حاضره بیاد و سرمایه‌بذاره چون می‌بینه امنیت و شفافیت حاکم شده.»

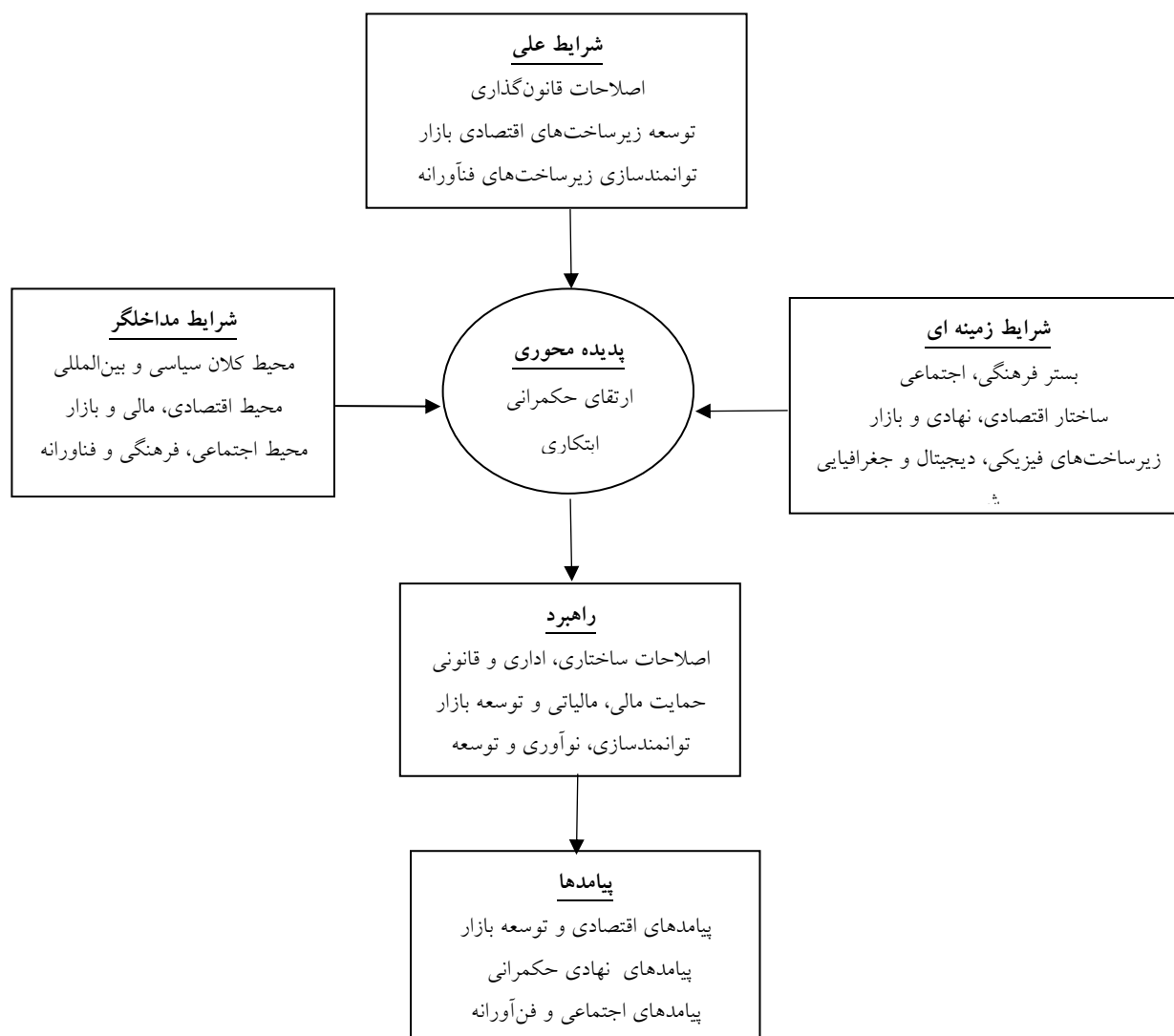
نهادی حکمرانی

این مؤلفه بر ارتقای رتبه‌های جهانی کسب‌وکار، مقابله با فساد نهادی و بازسازی مشروعیت حکومتی دلالت دارد. مشارکت‌کننده شماره ۵: «وقتی فرآیندها شفاف بشه، کسی نمی‌تونه واسطه‌گری کنه، رانت بگیره. من دیگه نیازی ندارم به دلال رانت‌خوار بی‌ارزش معرفتی بشم تا کارم راه بیفته. این باعث می‌شه اعتماد مردم به دولت برگرده و اقتصاد زیرزمینی هم که الان به خاطر فرار از قوانین شکل گرفته، جمع بشه.»

اجتماعی و فن‌آورانه

با تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و انجام فرآیند کدگذاری، در مجموع، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله گر، راهبردها، و پیامدهای حکمرانی ابتکاری استخراج شدند. با کنار یکدیگر گذاشتن آنها در قالب مدل پارادایمی، می‌توان مدل استخراج شده از داده‌های این پژوهش را به شرح ذیل به تصویر کشید.

این مقوله دربرگیرنده نتایج اجتماعی و فناورانه است؛ مانند بهبود وضعیت اشتغال‌زایی و مهاجرفرستی، توسعه زیست‌بوم نوآوری، نفوذ فناوری و ارتقای بهره‌وری سازمانی. مشارکت‌کننده شماره ۳: «مهم‌ترین پیامد /ینه که جوان‌های تحصیل‌کرده و با استعداد کرمانشاه دیگه مجبور نیستن برن تهران یا خارج کشور. وقتی فضای کارآفرینی و نوآوری حمایت بشه، اشتغال‌زایی می‌شه و دانشگاه‌ها هم پروژه‌هاشون مستقیم حل‌کننده مشکلات ما تو صنعت می‌شه.»



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارتقای فضای کسب‌وکار به طراحی مدل حکمرانی ابتکاری پرداخت. در فرآیند کدگذاری انتخابی و تبیین مدل پارادایمی، روایت شکل‌گیری حکمرانی ابتکاری از تعامل پیچیده عناصر مختلف شکل گرفت. شرایط علی (اصلاحات قانون‌گذاری، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و توانمندسازی فناورانه) که به عنوان شرایط علی و موتورهای محرک تغییر عمل می‌کنند، با ایجاد خلأ ساختاری و تقاضای عبور از جمود بوروکراتیک، و چرخه تغییر را به حرکت درآوردند. این تقاضا در دل شرایط زمینه‌ای (فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی-نهادی و فیزیکی-دیجیتال) که زمینه لازم برای پذیرش نوآوری را فراهم می‌ساخت، از نظر معنا و کارکرد تثبیت شد. مسیر این تحول، همواره تحت تأثیر عوامل مداخله‌گر (سیاسی-بین‌المللی، اقتصادی-مالی و اجتماعی-فناورانه) قرار داشت که نقش شتاب‌دهنده یا بازدارنده را در تعیین سرعت و جهت اجرا ایفا می‌کردند. در واکنش به این شرایط و برای هدایت فرآیند، راهبردهای عملیاتی (اصلاحات ساختاری/قانونی، حمایت مالی و توانمندسازی) تدوین و اجرا شدند که نهایتاً منجر به تحقق پیامدهای مطلوب اقتصادی، نهادی و اجتماعی گردید. تلفیق و تقاطع این روند پویا، منجر به شکل‌گیری مدل پارادایمی «حکمرانی ابتکاری» به عنوان پدیده مرکزی پژوهش شد که جایگاه محوری خود را در مدل نظری پژوهش تثبیت کرده است. در ادامه، یافته‌های پژوهش در چارچوب مقولات اصلی مدل و با استناد به ادبیات موضوع به صورت بحثی ارائه می‌گردد:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اصلاحات قانون‌گذاری، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی بازار و توانمندسازی زیرساخت‌های فناورانه به عنوان پیش‌نیازهای بنیادین (شرایط

علی) عمل می‌کنند. این رویکرد با دیدگاه بومول (۱۹۹۰) در مورد اهمیت نهادها در تخصیص منابع کارآفرینی همخوانی دارد؛ جایی که قوانین دست‌وپاگیر و ساختارهای فرسوده، بنگاه‌ها را به سمت فعالیت‌های ناکارآمد سوق می‌دهند. با این حال، نکته برجسته در مدل حاضر، تمرکز بر «قانون‌گذاری چابک» به عنوان زیرمجموعه‌ای از اصلاحات نهادی است. این یافته با پژوهش‌های میرزایی (۲۰۲۶) و روگونکو و همکاران (۲۰۲۵) که بر ضرورت تحول ساختاری در حاکمیت تأکید دارند، همسو است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد، بدون عبور از جمود بوروکراتیک و ایجاد تقاضای سازمان‌یافته برای تغییر، هیچ‌یک از راهبردهای حمایتی یا توانمندسازی قادر به ایجاد تحول پایدار نخواهند بود.

مقوله بستر فرهنگی، اجتماعی در کنار ساختار اقتصادی، نهادی و بازار و زیرساخت‌های فیزیکی، دیجیتال و جغرافیایی، زیرساخت‌های لازم (نرم و سخت) را برای استقرار حکمرانی جدید فراهم می‌آورد. نتایج نشان می‌دهد که اصلاحات صرفاً اقتصادی بدون وجود «اعتماد عمومی» و «ذهنیت نوآور» شکست می‌خورند. این مطلب با یافته‌های اوباجی و اولوگو (۲۰۲۰) که بر نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت سیاست‌های عمومی تأکید دارند، تطابق دارد. علاوه بر این، تمرکز پژوهش بر «توازن فضایی» و «زیرساخت‌های دیجیتال» به عنوان زیرساخت سخت، گسترش چارچوب‌های توسعه منطقه‌ای و حکمرانی دیجیتال (تسهیلات زیست محیطی جهانی، ۲۰۲۱) را در بستر کسب‌وکار ایران تأیید می‌کند. مدل حکمرانی ابتکاری تصریح می‌کند که خاک حاصلخیز برای نوآوری، متأثر از تقاطع زیرساخت‌های دیجیتال با ارزش‌های فرهنگی حامی ریسک‌پذیری شکل می‌گیرد.

پژوهش حاضر عوامل مداخله‌گر (سیاسی، اقتصادی و فناورانه) را نه به عنوان پس‌زمینه ثابت، بلکه به عنوان متغیرهای شتاب‌دهنده و بازدارنده شناسایی می‌کند. این دیدگاه با چارچوب‌های سیاسی-اقتصادی که حاکمیت را تحت تأثیر شوک‌های جهانی و ثبات سیاسی می‌دانند، هم‌راستا است (اونیلیو، ۲۰۲۴). یافته‌های مربوط به «سیاست‌گذاری هوشمندانه در مدیریت مالی» و «همسویی با استانداردهای جهانی» نشان می‌دهد که حکمرانی ابتکاری، فراتر از یک واکنش منفعلانه به شرایط، تلاشی آگاهانه برای مدیریت هوشمندانه فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی (مانند نوسانات ارزی یا تحولات تکنولوژیک) است.

مقوله راهبردهای اصلاحات ساختاری، اداری و قانونی در کنار حمایت مالی و توانمندسازی، نقشه راه عملیاتی برای تحقق مدل را تشکیل می‌دهند. برخلاف رویکردهای سنتی که بر مقررات‌زدایی خالص تمرکز داشتند، این پژوهش بر «قانون‌گذاری چابک» و «تحول در مکانیزم‌های تنظیم‌گری» تأکید دارد. چنین رویکردی نشان‌دهنده گذار از «حکمرانی دولتی» به «حکمرانی مشارکتی و شبکه‌ای» است (موسی، ۲۰۲۴). راهبردهای شناسایی‌شده، ابزارهای عملیاتی برای پاسخگویی به تقاضاهای محرک در شرایط علی هستند؛ برای مثال، «دیجیتالی‌سازی» تنها ابزاری برای فناوری نیست، بلکه ابزاری برای شفافیت و کاهش رانت است که با اهداف اصلاحات نهادی همسو است.

نهایتاً، پیامدهای اقتصادی (مانند تقویت تولید و جذب سرمایه)، پیامدهای نهادی (مانند مقابله با فساد و بازسازی مشروعیت) و پیامدهای اجتماعی و فناورانه (مانند جلوگیری از مهاجرت نخبگان)، خروجی‌های نهایی مدل هستند. بررسی عمیق پیامدها نشان می‌دهد که حکمرانی ابتکاری صرفاً به

دنبال رشد اقتصادی نیست، بلکه هدف غایی آن «بازتولید سرمایه اجتماعی» و «انسجام اجتماعی» است (بائو و همکاران، ۲۰۲۲). این یافته با اهداف توسعه پایدار که تعادل بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی را مورد تأکید قرار می‌دهد، همسو است.

به طور خلاصه، مدل حکمرانی ابتکاری طراحی شده به عنوان یک چارچوب پویا و منسجم، مدلی است که در آن تقاطع شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، از طریق راهبردهای کلان، به پیامدهای چندبعدی منجر می‌شود. این مدل نشان می‌دهد که گذار به حکمرانی نوین، نیازمند یک جهش هم‌زمان در قوانین، فرهنگ، زیرساخت‌ها و فناوری است که بدون آن، تحقق پدیده حکمرانی ابتکاری غیرممکن خواهد بود.

با استناد به یافته‌های حاصل از مدل پارادایمی حکمرانی ابتکاری و شرایط خاص شرکت‌های کوچک و متوسط استان کرمانشاه، متناسب با مؤلفه‌های شش‌گانه مدل، برخی پیشنهادها به شرح زیر ارائه می‌شوند. الف) عوامل علی. ۱) در حوزه اصلاحات قانون‌گذاری: استاندارد کردن کرمانشاه و نهادهای متولی باید با اصلاح و حذف قوانین دست‌وپاگیر موازی (خلاهای قانون‌گذاری)، مسیر صدور مجوزها را برای شرکت‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های دانش‌بنیان استان به یک سامانه «پنجره واحد هوشمند و تسریع‌شده» ارتقا دهند و از اجرای قوانین دست‌وپاگیر موازی که مانع رشد این بنگاه‌ها در استان می‌شود، ممانعت کنند. ۲) در حوزه توسعه زیرساخت‌های اقتصادی بازار: نظام بانکی استان کرمانشاه باید با استقرار یک سامانه اعتبارسنجی ویژه، وام‌دهی به بنگاه‌های کوچک و دانش‌بنیان را از رویکرد سنتی «وثیقه‌محور» به «ارزیابی پتانسیل فناورانه و اعتبار عملکردی» بازطراحی کند تا مشکل کمبود نقدینگی آن‌ها رفع شود. ۳) در حوزه

توانمندسازی زیرساخت‌های فناورانه: پارک علم و فناوری کرمانشاه و شهرک‌های صنعتی باید تأمین زیرساخت‌های فیزیکی پایه و رفع انحصارها را در اولویت قرار داده و زمین‌ها و فضاهای خام را به زیرساخت‌های لجستیکی و پهنای باند مناسب مجهز کنند تا بستر فیزیکی برای رشد شرکت‌های کوچک و متوسط فراهم گردد. (ب) عوامل زمینه‌ای. (۱) در حوزه بستر فرهنگی، اجتماعی، دانشگاه‌های استان کرمانشاه و رسانه‌های محلی باید با برگزاری رویدادهای داستان‌سرایی کارآفرینان موفق و نمایش مدیریت شکست، فرهنگ ریسک‌پذیری را در میان فعالان زیست‌بوم شرکت‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های دانش‌بنیان نهادینه کنند تا از فرار سرمایه انسانی مستعد جلوگیری شود. (۲) در حوزه ساختار اقتصادی و نهادی: اتاق بازرگانی کرمانشاه باید با حمایت از تشکیل «انجمن‌های تخصصی صنفی قدرتمند» برای شرکت‌های کوچک و متوسط، صدای مستقل این بنگاه‌ها را در برابر انحصارات محلی و دولتی تقویت کرده و زمینه را برای ورود سرمایه‌گذاران خطرپذیر به استان فراهم آورند. (۳) در حوزه زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال: نهادهای فناوری اطلاعات و ارتباطات استان باید با حمایت دولت، توسعه زیرساخت‌های پهنای باند، کلان‌داده و پلتفرم‌های لجستیک هوشمند را مخصوصاً در مسیرهای ترانزیتی و مناطق کمتربرخوردار کرمانشاه پیش ببرند تا محدودیت‌های جغرافیایی شرکت‌های کوچک و متوسط شکسته شود. (ج) عوامل مداخله‌گر. (۱) در حوزه محیط سیاسی و بین‌المللی: استانداری کرمانشاه باید با تشکیل یک «کمیته تاب‌آوری و مدیریت ریسک استانی»، سناریوهای مقابله‌ای مدونی برای شرکت‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های دانش‌بنیان در برابر شوک‌های تحریمی تدوین

کند تا از طریق فعال‌سازی ظرفیت‌های مرزی و تعاملات منطقه‌ای، خلأهای ناشی از محدودیت‌های کلان را در سطح استان پوشش دهد. (۲) در حوزه محیط اقتصادی و مالی: اتاق بازرگانی کرمانشاه باید شبکه‌های «تسویه چندجانبه و پایاپای» را میان شرکت‌های کوچک و متوسط استان راه‌اندازی کند تا این بنگاه‌ها بتوانند بدون وابستگی مطلق به نظام بانکی تحت فشار، نیازهای مالی خود را در مواقع نوسانات تورمی و ارزی مدیریت کنند. (۳) در حوزه محیط اجتماعی و فناورانه: پارک علم و فناوری کرمانشاه باید با حمایت از توسعه پلتفرم‌های تجارت الکترونیک بومی و آموزش ابزارهای فین‌تکی به مدیران، شرکت‌های کوچک و دانش‌بنیان استان را برای حضور در بازارهای آنلاین و تطابق با ذائقه نسل جدید مشتریان مجهز سازند تا از عقب‌ماندگی فناورانه آن‌ها در عصر صنعتی ۴.۰ جلوگیری شود. (د) راهبردها. (۱) در حوزه راهبردهای اصلاحات ساختاری، اداری و قانونی: استانداری کرمانشاه باید با عملیاتی‌سازی و راه‌اندازی نهایی یک «پلتفرم یکپارچه و هوشمند صدور مجوز و پاسخگویی» فرآیندهای اداری مربوط به شرکت‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های دانش‌بنیان را به صورت کاملاً خودکارسازی شده و بدون نیاز به مراجعات حضوری انجام دهد تا زمان و هزینه‌های مبادله آن‌ها به صفر نزدیک شود. (۲) در حوزه راهبردهای حمایت مالی و توسعه بازار: صندوق نوآوری و شکوفایی استان کرمانشاه باید با تخصیص یک «صندوق ضمانت اختصاصی وام‌های خرد بدون وثیقه» به دانش‌بنیان‌ها، و همچنین اعطای مشوق‌های مالیاتی ویژه، ریسک‌پذیری مالی این بنگاه‌ها را در بازارهای داخلی و مناطق آزاد مرزی تقویت کند. (۳) در حوزه راهبردهای توانمندسازی، نوآوری و توسعه زیرساخت: پارک علم و فناوری و

شبکه‌های «پیوند صنعت و دانشگاه» را هدفمندسازی کنند تا پروژه‌های تحقیقاتی دانشجویان و نخبگان مستقیماً به حل مسائل شرکت‌های کوچک و دانش‌بنیان اختصاص یابد؛ این امر پیامد کاهش مهاجرت نخبگان و ارتقای ضریب نفوذ فناوری در استان را به دنبال خواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی: پژوهش با رعایت ملاحظات اخلاقی، شامل آگاهی‌دهی کامل به مشارکت‌کنندگان، حفظ محرمانگی اطلاعات و طراحی سؤالات مصاحبه به گونه‌ای که هیچ آسیبی متوجه مصاحبه‌شوندگان نباشد، انجام شد. تحلیل یافته‌ها و گزارش نتایج با صداقت و شفافیت کامل صورت گرفته و از هرگونه سوگیری یا تحریف اجتناب شده است.

تقدیر و تشکر: مقاله حاضر ماحصل یک پژوهش مستقل است. از تمامی افرادی که در این مقاله نویسنده را یاری نمودند صمیمانه تشکر می‌نمایم، به علاوه از داوران محترم مجله که با ارائه رهنمودهای آموزشی به غنای این مقاله افزودند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

تضاد منافع: هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

دانشگاه‌های کرمانشاه باید مکانیزم‌های اجرایی «اکوسیستم‌های کار اشتراکی» (هم‌فضا، هم‌تجهیزات و هم‌تامین مواد اولیه) را ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط راه‌اندازی کنند تا این شرکت‌ها بتوانند با کاهش چشمگیر هزینه‌های سربار، منابع مالی خود را به جای هزینه‌های ثابت، صرف نوآوری و برندسازی محصول‌شان نمایند. ه) پیامدها. (۱) در حوزه پیامدهای اقتصادی و توسعه بازار: اتاق بازرگانی کرمانشاه باید با ایجاد یک «کنسرسیوم صادراتی مشترک» ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های دانش‌بنیان، آن‌ها را برای ورود به زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و بازارهای مرزی تجهیز کند تا پیامد افزایش صادرات غیرنفتی و ارزآوری در سطح استان محقق گردد. (۲) در حوزه پیامدهای نهادی حکمرانی: سازمان بازرسی و نهادهای نظارتی استان کرمانشاه باید پلتفرم‌های مناقصات و خریدهای دولتی را به گونه‌ای پیاده‌سازی کنند که حضور شرکت‌های کوچک و متوسط در آن‌ها شفاف و بدون نیاز به رانت یا واسطه‌گری باشد تا پیامد کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی به صورت عینی به ذینفعان منعکس شود. (۳) در حوزه پیامدهای اجتماعی و فناورانه: دانشگاه‌های کرمانشاه و پارک علم و فناوری باید

منابع فارسی

- رضایی مطلع، ریحانه، نصراللهی، مهدی، انوشه، مرتضی. (۱۳۹۹). *مروری بر موانع و چالش‌های کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران*. پنجمین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری. اهواز، ایران
- عباسی رستمی، سحر، شهابی، آرزو، شیرازی، بابک. (۱۳۹۵). *بررسی چالش‌های سازمان‌های کوچک و تأثیر ERP برای موفقیت این سازمان‌ها در بازارهای جهانی*. کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت. تهران، ایران.
- میرفخرالدینی، سید حیدر، بنی فاطمه، سید علی محمد. (۱۳۹۳). *تجزیه و تحلیل موانع پیاده‌سازی برنامه‌های بهبود در صنایع کوچک و متوسط* (مورد مطالعه: شهرک‌های صنعتی منتخب استان یزد). *مطالعات مدیریت صنعتی*، ۱۱(۳۱)، ۱-۱۷.

موسوی، فرانک، نادری، نادر، رحیمی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک بخش صنایع شهرستان کرمانشاه. اولین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد. تهران، ایران.

مولوی، علیرضا. (۱۴۰۵). کرمانشاه ظرفیت تبدیل به سکوی توسعه فناوری و صادرات محصولات دانش‌بنیان را دارد. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ مرداد ۱۴۰۵، کد مطلب: ۸۶۲۲۲۲۱۱.

References

- Abbasi Rostami, S., Shahabi, A., & Shirazi, B. (2016). *Investigating the challenges faced by small organizations and the impact of enterprise resource planning (ERP) on the success of these organizations in global markets*. Presented at the International Conference of Management Elites. Tehran, Iran. [In Persian]
- Abdulai, M. G., Ustarz, Y., & Boakye, D. C. (2024). Effect of governance on investment: Evidence from Sub-Sahara Africa. *Quantitative Finance and Economics*, 8(1), 103–25.
<https://doi.org/10.3934/QFE.2024005>.
- Agyemang, A. O., Yusheng, K., & Osei, A. (2025). Driving the sustainability transition from policy to practice: Synergizing corporate governance and technological innovation to advance responsible consumption and production. *Sustainable Development*, 33(5), 6528–48.
<https://doi.org/10.1002/sd.3478>.
- Ansell, C., & Torfing, J. (2021). *Public governance as co-creation: A strategy for revitalizing the public sector and rejuvenating democracy*. Cambridge: Cambridge University Press.
<https://doi.org/10.1017/9781108765381>.
- Bao, H., Chen, C., & Liu, Y. (2022). Innovative governance systems and green innovations of agriculture-related enterprises based on the approach of fuzzy-set qualitative comparative analysis. *Frontiers in Environmental Science* 10: 990414.
<https://doi.org/10.3389/fenvs.2022.990414>.
- Baumol, W. J. (1990). Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive. *Journal of Political Economy* 98(5), 893–921.
<http://dx.doi.org/10.1086/261712>.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2014). *Basics of qualitative research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Du, Y. Z., Liu, Q. C., Chen, K. W., Xiao, R. Q., & Li, S. S. (2023). Ecosystem of doing business, Total factor productivity and multiple patterns of high-quality development of Chinese cities: Configurational research based on complex system view. *Journal of Management World*, 2, 11–29.
<https://doi.org/10.53935/jomw.v2023i2.238>.
- Giovanis, E., & Ozdamar, O. (2022). The nexus between business–investment climate and firm performance in the Middle East and North Africa region. *Review of Economics and Political Science* 7(4), 257–85.
<https://doi.org/10.1108/REPS-09-2020-0138>.
- Global Environment Facility. (2021). *Innovative governance for participatory design of a green city*. GEF Good Practice Brief. Available at: https://www.thegef.org/sites/default/files/202112/GEF_good_practice_brief_innovative_governance_design_green_city_paraguay.pdf.
- Hartley, J. (2005). Innovation in governance and public services: Past and present. *Public Money & Management* 25(1), 27–34.
<https://doi.org/10.1111/j.1467-9302.2005.00447.x>.

- Hemmati, M., Tabrizy, S. S., & Tarverdi, Y. (2023). Inflation in Iran: An empirical assessment of the key determinants. *Journal of Economic Studies*, 50(8), 1710–1729.
<https://doi.org/10.1108/JES-07-2022-0370>
- Ji, Y., & Gao, Y. (2020). Modernization of tax governance and total factor productivity of enterprises: Research based on quasi-natural experiment of tax credit rating. *Journal of Finance and Economics* 46(12), 49–63.
<https://doi.org/10.16538/J.CNKI.JFE.20200917.305>.
- Kapartziani, C. (2025). Towards a sustainable digital future: Exploring AI, legal frameworks, and environmental transformations in the post-COVID era? *European Scientific Journal* 21(8), 1-12.
<https://doi.org/10.19044/esj.2025.v21n8p1>.
- Kariuki, C. W., & Kabaru, F. W. (2022). Human capital, governance, foreign direct investment and their relationship with TFP growth: Evidence from Sub-Saharan Africa. *The Journal of International Trade & Economic Development* 31(5), 708–24.
<https://doi.org/10.1080/09638199.2021.2010794>.
- Kvitkovska, M. (2025). It takes four to tango: Quadruple helix and regional development in Slovakia. *Eastern European Journal for Regional Studies* 11(2), 84–107.
<https://doi.org/10.53486/2537-6179.11-2.06>.
- Leceta, J. M., & Konnola, T. (2021). Fostering entrepreneurial innovation ecosystems: Lessons learned from the European institute of innovation and technology. *Innovation: The European Journal of Social Science Research* 34 (4), 475–94.
<https://doi.org/10.1080/13511610.2019.1612737>.
- Leonard, S. (2024). The impact of government subsidies on entrepreneurial activities. *International Journal of Economic Policy* 4(2), 27–39.
<https://doi.org/10.47941/ijecop.1764>.
- Mazzucato, M., & Kattel, R. (2020). *COVID-19 and public-sector capacity. Working Paper Series, IIPP WP 2020-12, UCL Institute for Innovation and Public Purpose*. Available at: <https://www.ucl.ac.uk/bartlett/public-purpose/wp2020-12>.
- Miraskari, S. R., & Rezaei Pitenoei, Y. (2024). Investigating the factors influencing ease of doing business in Gilan province. *Business Process Management Journal*, 30(7), 2642–2664.
<https://doi.org/10.1108/BPMJ-01-2024-0032>
- Mirfakhreddini, S. H., & Banifateme, S. A. M. (2014). Analyzing barriers to the implementation of improvement programs in small and mdium sized enterprises (SMEs) case study: Yazd selected industrial parks. *Industrial Management Studies*, 11(31), 1-17. [In Persian]
https://journals.atu.ac.ir/article_186.html
- Mirzaei, R. (2025). *Innovative governance models: Linking urban management satisfaction with hybrid economic zones for enhanced social and economic capital*. Presented at the 4th International Conference on Researches in Accounting, Economics. Cologne, Germany.
- Mormile, S., G. Piscopo, & Adinolfi, P. (2026). Leveraging unique resources and capabilities to address ESG challenges: A qualitative study of high-growth Italian start-ups. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal* 17 (1), 151–78.
<https://doi.org/10.1108/SAMPJ-10-2023-0770>.
- Mousavi, F., Naderi, N., & Rahimi, Z. (2016). *Investigating the barriers to establishing small businesses in the industrial sector of Kermanshah County*. Presented at the 1st International Conference on New Research Achievements in Management, Accounting, and Economics, Tehran, Iran. [In Persian]

- Molavi, A. (2026). *Kermanshah has the potential to become a platform for the development of technology and the export of knowledge-based products*. IRNA, August 6, 2026, No. 86222211. [In Persian]
- Muza, O. (2024). Innovative governance for transformative energy policy in Sub-Saharan Africa after COVID-19: Green pathways in Egypt, Nigeria, and South Africa. *Heliyon* 10 (9), e29706. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e29706>.
- North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge: Cambridge University Press.
- North, D. C. (2022). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Obaji, N. O., & Olugu, U. M. (2014). The role of government policy in entrepreneurship development. *Science Journal of Business and Management* 2 (4), 109–15. <https://doi.org/10.11648/j.sjbm.20140204.12>.
- Onileowo, T. T. (2024). Exploring the influence of government policy on entrepreneurship development. *British Journal of Multidisciplinary and Advanced Studies* 5(1), 198–211. <https://doi.org/10.37745/bjmas.2022.0421>.
- Osborne, S. P. (2006). The new public governance? *Public Management Review* 8(3), 377–87. <https://doi.org/10.1080/14719030600853022>.
- Osborne, S. P., & Brown, L. (2023). *Innovation, public policy and service delivery: The role of public organizations*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Rezaei Motala, R., Nasrollahi, M., & Anousheh, M. (2020). *A review of the barriers and challenges faced by small and medium-sized enterprises in Iran*. Presented at the 5th National Conference on Economics, Management, and Accounting, Ahvaz, Iran. [In Persian]
- Rogulenko, T. M., N. S. Matveeva., & Abramov, R. A. (2025). The role of the state in entrepreneurial development: Governance models and support mechanisms. *Russian Journal of Management* 13(3), 161–74. <https://doi.org/10.29039/2500-1469-2025-13-3-161-174>.
- Ruch, F. U. (2020). *Policy challenges for emerging and developing economies: Lessons from the past decade*. Policy Research Working Paper 9180. Washington, DC: World Bank. Available at: <http://hdl.handle.net/10986/33440>.
- Sahu, A. K., Debata, B., & G. Khanna. (2025). Unveiling the nexus between ESG performance, Climate policy uncertainty and corporate innovation: Evidence from textual analysis. *Social Responsibility Journal* 21(4), 893–921. <https://doi.org/10.1108/SRJ-02-2024-0132>.
- Smorodinskaya, N. V., & Katukov, D. D. (2023). Iranian sanctions experience: Macroeconomic outcomes and lessons for Russia. *Vestnik Instituta Ekonomiki Rossiyskoy Akademii Nauk [The Bulletin of the Institute of Economics of the Russian Academy of Sciences]*, 6, 26–42. https://doi.org/10.52180/2073-6487_2023_6_26_42
- World Bank Group. (2023). *Doing business report*. Washington, DC: World Bank.
- Yin, J. H., Song, H. Y., & Zeng, K. (2022). Does a smart business environment promote corporate investment? A case study of Hangzhou. *PLoS ONE* 17(7), e0269089. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0269089>.